

رودخانه‌های عراق و استراتژی‌های نظامی عباسیان (۳۳۴-۵۱۳۲ ق)^۱

نعمت الله زکی پور؛ مجید شموسی مطلق**

چکیده

خلفای عباسی قرن‌ها با کنترل و تأمین امنیت عراق و سرزمین‌های اطراف آن، مرکز خلافت خویش را به منطقه تجاری امن تبدیل کردند. این رونق اقتصادی وامدار چند عامل بود: دوری از مخالفان حکومت و پایگاه‌های آنان؛ نزدیکی به حامیان خویش؛ موقعیت جغرافیای سیاسی بغداد در نزدیکی به دو رودخانه‌ی بزرگ دجله و فرات. این رودخانه‌ها و آبراهه‌های متعدد آن، برای عباسیان دو استفاده مهم داشت: ۱. استفاده تجاری؛ ۲. استفاده نظامی. البته مهمترین کاربرد رودخانه‌ها برای عباسیان، استفاده‌های نظامی و استراتژیک برای سرکوب شورشیان داخلی و خارجی بود. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی تاریخی با اتکاء به شیوه‌ی گردآوری اطلاعات از منابع تاریخی، در پی پاسخ‌گویی چند پرسش است: اهمیت نظامی رودخانه‌های عراق عرب برای خلافت عباسیان چه بود؟ و آنان چه راهبردها و شیوه‌های جنگی در رودخانه‌های عراق داشتند؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رودخانه‌های عراق از جمله دجله و فرات برای عباسیان به چند دلیل حائز اهمیت بودند: تسلط بر راههای تجاری و ارتباطی، و دوری از مراکز مخالفان حکومتی. آنان برای غلبه بر این شورشیان از شیوه‌های تهاجمی و بازدارنده‌ی مختلفی بهره می‌گرفتند از جمله: شبیخون زدن، سیستم‌های جاسوسی و اطلاعاتی، تهاجمات ناگهانی، خدعه و نیرنگ، به کار بردن علائم و پرچم‌ها، و جنگ روانی.

^۱ . فیش‌برداری مقاله حاضر از نسخه‌های عربی منابع تاریخی در کتابخانه دانشکده تاریخ بصره و کتابخانه تاریخ دانشگاه نجف در کشور عراق انجام شده است.

* نویسنده‌ی مسئول: استادیار گروه تاریخ دانشگاه یاسوج. nematzakipoor@yahoo.com

** دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ اسلام. majid.sh4676@gmail.com

| تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۴ |

واژه‌های کلیدی: عباسیان، رودخانه‌های عراق، راهبردهای نظامی، شورشیان.

مقدمه

رودخانه‌ها جزو پدیده‌های طبیعی‌اند و از اهمیت نظامی فراوانی برخوردارند و می‌توان از آنها در مقابله با نیروهای دشمن بهره برد. اهمیت آنها در تأمین امنیت شهرها چند دلیل دارد: سختی عبور از آنها و سد کردن راه پیشروی نیروهای مهاجم و به تأخیر انداختن آن، دادن فرصت به نیروهای مدافع جهت اتخاذ تدابیر دفاعی. حجاج بن یوسف ثقفی به سبب همین ویژگی‌های طبیعی بود که شهر «واسط» را بنا کرد. رودخانه دجله در شرق این شهر قرار داشت و رودخانه فرات در غرب آن. این دو رودخانه به حجاج این فرصت را می‌داد تا در مقابل نیروهای مهاجم ایستادگی و شورش‌ها را سرکوب کند (یعقوبی، ۲۰۰۲: ۳۸). اهمیت تجاری و نظامی رودخانه‌های عراق در ارتباط با شهر بغداد عصر عباسیان نمود بیشتری داشت.

منصور خلیفه عباسی (۱۳۶-۱۵۸ق) شهر بغداد را به پایتختی برگزید. او به اهمیت اقتصادی و نظامی این شهر واقف بود. منصور عباسی قبل از رسیدن به خلافت به کار دریانوردی در رودخانه‌های عراق مشغول بود (ابن خلکان، ۱۹۷۳: ۴۱۱/۲). زمانی که نیروهای مأمون بغداد را در سال ۱۹۷ق/۸۱۲م به فرماندهی طاهر بن الحسین محاصره کردند. او فرمان قطع کمک‌رسانی به بغداد را با تسلط بر ورودی‌های رودخانه‌ها و راه‌های منتهی به بغداد صادر کرد. تجار و کشتیبانان از حمل مواد غذایی به شهر منع شدند. کشتی‌هایی که از بصره آمده بودند، بازگردانده شدند. در پی آن اقدامات قیمت کالا در بغداد فزونی گرفت (طبری، ۱۹۶۷: ۴۱۶/۸) و مردم در محاصره شدید قرار گرفتند (همان: ۴۵۹/۸). در این محاصره شدید و طولانی مدت، رودخانه‌ها چون اهرم فشاری در تصمیم‌گیری‌های سیاسی دستگاه خلافت عمل می‌کرد. در حوادث بین المستعین و المعتز بر سر خلافت (۲۵۱ق/۸۸۵م)، نیروهای المعتز شهر بغداد را محاصره کردند و ورودی‌های رودخانه‌ها را بستند؛ این اقدام نارضایتی مردم از کمبود و گرانی مواد غذایی را موجب شد و در پی آن المستعین از خلافت کنار رفت (یعقوبی، ۲۰۰۲: ۳۵۱).

به دستور الموفق، خلیفه‌ی عباسی، فرزندش ابوالعباس (المعتضد) با کنترل دقیق گذرگاه‌های آبی و حراست از آن، راه‌های نفوذ شورشیان زنگی به بغداد را قطع

کرد (طبری، ۱۹۶۷: ۵۹۱/۹-۵۸۷). در زمان ضعف خلافت عباسی، اولین اقدام نیروهای سیاسی مبارز، سلطه بر منافذ رودخانه‌ها برای کسب قدرت بود؛ زیرا رودخانه‌ها اهرم فشار بسیار مناسبی در رویارویی با خصم بود. زمانی که آل‌برید با تسلط بر بصره قدرت یافتند (۳۳۳-۳۲۹ق/۹۴۴-۹۴۰م) راه‌های تأمین مایحتاج المتقی بالله، خلیفه‌ی عباسی، و اهالی بغداد را بستند و از رسیدن کشتی‌ها به بغداد ممانعت کردند (مسعودی، ۱۹۶۶: ۲۴۷/۴). بنابراین رودخانه‌ها در منازعات قدرت‌های سیاسی نقش مهمی داشت به طوری که این قدرت‌ها برای پیروزی بر حریف، بر سر تسلط و کنترل رودخانه‌ها با هم رقابت می‌کردند. به طور مثال پیروزی توزون بر معزالدوله، حاکم آل‌بویه، (۳۳۲ق/۹۴۳م) وقتی اعلام شد که او توانست بر رودخانه‌ها و گذرگاه‌های آبی مسلط شود و راه کشتی‌ها را ببندد. در گزارش این پیروزی نوشتند که توزون بر کشتی‌ها و قایق‌های معزالدوله چیره گشت (همذانی، ۱۹۶۱: ۱۳۹).

با وجود پژوهش‌های متعدد درباره‌ی خلافت عباسیان، «راهبردهای نظامی عباسیان در رودخانه‌های عراق» کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. پژوهش حاضر، که از نوع بررسی‌های تاریخ خرد^۱ به شمار می‌آید، در پی پاسخ‌گویی چند پرسش اصلی است: اهمیت نظامی رودخانه‌ها برای خلافت عباسیان چه بود؟ و آنان چه راهبردها و شیوه‌های جنگی در رودخانه‌های عراق داشتند؟ فرضیه‌های مقاله این است که عباسیان به چند دلیل رودخانه‌های عراق از جمله رودخانه‌های دجله و فرات برای آنان از اهمیت و راهبرد جنگی و نظامی برخوردار بودند: تسلط بر راههای تجاری و ارتباطی، و دوری از مراکز مخالفان حکومتی و سرکوبی شورشیان داخلی و خارجی. در این کاربرد نظامی از رودخانه‌ها از روش‌ها و راهبردهایی چون شیخون زدن، خدعه و نیرنگ، جاسوسی و اطلاعاتی، تهاجمات ناگهانی، به کار بردن علائم و پرچم‌ها و جنگ روانی بهره گرفتند.

پیشینه پژوهش

با وجود پژوهش‌های مختلف درباره‌ی خلافت عباسیان و جوانب مختلف آن، تاکنون پژوهشی مستقل درباره‌ی راهبردها و شیوه‌های جنگی عباسیان در رودخانه‌های عراق انجام نگرفته است. در این باره متون تاریخی و منابع جغرافیایی اشارات کوتاهی دارند.

^۱ . Microhistory.

از جمله منابعی که به صورت جسته و گریخته درباره‌ی اهمیت رودخانه‌ها و تلاش خلفای عباسی در سلطه بر رودخانه‌ها و ایجاد نیروی نظامی رودخانه‌ها برای دفع شورش‌های مختلف و حفظ امنیت خلافت، می‌توان به این منابع اشاره کرد: ۱. تاریخ العراق فی عصور الخلافة العربیه - الاسلامیه اثر فاروق عمر فوزی (۱۹۸۸). وی در کتاب خود از اهتمام خلفای عباسی به داشتن نیرویی دریایی نیرومند برای مقابله با دشمنان خارجی همچون رومی‌ها و ساختن کشتی‌های جنگی و سلطه بر دریاها و رودخانه‌های مهمی همچون دجله و فرات و نیل سخن رانده است؛ ۲. مقاله‌ی «تحول و تطور در نیروی دریایی مسلمانان تا پایان خلافت عباسی» از اصغر قائدان (۱۳۸۰). نویسنده در مقاله به استفاده‌ی عباسیان از نیروی دریایی در بسیاری از عملیات‌های نظامی و سرکوب بسیاری از شورش‌ها اشاره کرده است.

چرایی توجه عباسیان به رودخانه‌ها با تأکید بر رود دجله

خلفای عباسی خواهان تمرکز خلافت در عراق بودند و رودخانه‌های عراق، تمرکز قدرت را فراهم می‌کرد. بنابراین برای نیروهای خود در رودخانه‌ها پادگان‌هایی ایجاد کردند. آنان برای این اقدام دو دلیل داشتند:

۱. وجود خطوط ارتباطی آسان و بدون مانع بین مراکز فرماندهی و نیروها از طریق رودخانه‌ها برای کمک‌رسانی (طبری، ۱۹۶۷: ۶۱۶/۹). زمانی که شورشیان زنگ، بر بصره و رودخانه‌های اطراف آن سیطره یافتند، موفق، خلیفه‌ی عباسی، با ایجاد پادگان الموفقیه و تسلط بر شبکه‌ی رودخانه‌ای، توانست ارتباط خود را با مرکز فرماندهی حفظ کند و از طریق شام و واسط و نواحی اطراف آن کمک دریافت کند (همان: ۵۹۳/۹).

۲. علاوه بر نقش ارتباطی پادگان‌های مستقر در رودخانه‌ها و تأمین مایحتاج نیروها، خود رودخانه منبعی بود برای تأمین مایحتاج نیروها و آب شرب آنان (همان: ۶۰۴/۹). قبل از انتقال نیروها به پادگان‌های نظامی ساحلی، اماکنی برای استقرار نیروها، کشتی‌ها و حیوانات همراه سپاه می‌ساختند. موفق عباسی زمان حرکت به سمت رود جطی، راه‌ها را برای حرکت نیروها مرمت کرد و پل‌هایی بر روی رودخانه بست. او برای توسعه پادگان‌های نزدیک بصره، رود فرات را - که قسمتی از آن به سمت بصره جریان داشت - بست؛ چراکه این پادگان‌ها گنجایش لازم برای تمام نیروهای زمینی و دریایی را نداشت. یکی از اهداف وی برای ایجاد پادگان در کنار رود ابوالخصیب بصره

استقرار نیرو مقابل نیروهای شورشی زنگی بود (همان: ۵۸۴/۹). موفق عباسی قبل از پیشروی با نیروهای سواره و پیاده نظام و کشتی‌های جنگی (۲۶۹ق/۸۸۲م) فرمان داد پایگاه نظامی را از نی‌زارها پاک کنند تا وسعت بیشتری یابد. در آنجا قصری بنا نهاد و میدانی برای رژه نیروهای نظامی (همان: ۶۴۸/۹). در اتفاقات سال ۲۵۶ ق/ ۸۶۹م با وجود فاصله اندک کمتر از یک فرسخ میان مرکز فرماندهی و سپاه تحت فرمان جعلان برای حمله به نیروهای شورشی زنگ، دستور داد کانالی حفر کنند (همان: ۴۷۰/۸). موفق برای مقابله با تهاجمات زنگیان علاوه بر کندن کانال، اطراف پادگان‌ها را دیوارکشی کرد و نگهدارانی در تمام مدت شبانه‌روز برای آن قرار داد و فرمان آماده‌باش کشتی‌ها و قایق‌های جنگی را صادر کرد (همان: ۶۱۵/۹). از فواید ایجاد پادگان‌های نظامی، تعلیم نیروهای نظامی و انجام تمرینات و رژه، و نیز تجهیز آن‌ها به ادوات جنگی قبل از شروع جنگ بود.

چگونگی مدیریت جنگ در رودخانه‌ها

فرماندهان جنگ رودخانه‌ها را اداره می‌کردند. آنان سعی می‌کردند در رژه‌ی نیروها و تجهیزات جنگی عملکرد مناسبی داشته باشند تا در جنگ نتیجه‌ی مطلوب حاصل آید (فوزی، ۱۹۸۸: ۲۰۱). بنا بر منابع تاریخی خلفای عباسی در به نمایش گذاشتن نیروها و تجهیزات و آمادگی آنها تأکید می‌کردند و بعد از آن نیروها را به میدان جنگ گسیل می‌داشتند. بازدید موفق از پادگان بستان الهادی و نیروهای تحت فرمان فرزندش، ابوالعباس (المعتضد)، برای رفع نقایص و نیازهایشان بود. او بعد از دیدن نمایش مناسب نیروها (۲۶۶ق/۸۷۹م) آنان را برای جنگ با شورشیان زنگی، به همراه تجهیزات کامل نظامی و کشتی‌های جنگی مستحکم و قایق و ناوچه‌های جنگی فرستاد (ابن کثیر، ۱۹۸۸: ۴۰/۱). بنابراین رژه نیروها، فرماندهان را با شرایط نیروها و تجهیزات آن‌ها آگاه می‌کرد تا به رفع کمبودها اهتمام ورزند. طبری در حوادث سال ۲۶۷ق/ ۸۸۰م ذکر می‌کند که موفق پنج روز صرف بازدید از کشتی‌ها، ناوچه‌ها، قایق‌های جنگی، رده‌بندی فرماندهان و تیراندازان کرد (طبری، ۵۸۱/۹).

نیروها قبل از شروع هر جنگی و نیز پس از اتمام آن، از سالم بودن تجهیزات جنگی و تعمیر کشتی‌ها مطمئن می‌شدند تا بعدها هیچ‌گونه خطایی رخ ندهد. آنان برای رویارویی با دشمن همیشه در آمادگی کامل بودند و فرماندهان نیز قبل از شروع هر

جنگی، به آموزش فنون جنگی، نحوه‌ی نفوذ به رودخانه‌ها و جنگ در درون آب اقدام می‌کردند(همان: ۵۶۱/۹). از معیارهای گزینش فرماندهان و نیروها صبور، مقاوم و با تجربه بودن در جنگ‌ها بود(همان: ۵۹۳/۹). سربازان به صورت آماده در هنگام حرکت به سمت دشمن بر روی عرشه‌ی کشتی‌ها در کنار ادوات جنگی مستقر می‌شدند(همان: ۵۸۴/۹). آماده‌سازی نیروهای برای جنگ‌های رودخانه‌ای به شرایط رودخانه‌ها نیز بستگی داشت؛ رودخانه‌هایی که جنگ‌ها در آن اتفاق می‌افتاد. بنابراین در زمانی که درگیری در رودخانه‌ها و راه‌های تنگ و باریک اتفاق می‌افتاد، فرماندهان در تهیه‌ی نقشه‌های هجومی وضعیت سربازان و کشتی‌ها را با توجه به موقعیت و طبیعت رودخانه‌ها مد نظر قرار می‌دادند. موفق عباسی برای جنگ در چنین موقعیت‌هایی سعی می‌کرد افرادی را به کار گیرد که تجربه‌ی جنگ در علفزارها و باریکه‌های رودخانه‌ها را داشتند و در استفاده از قایق‌های جنگی کوچک و انواع اسلحه‌ها ماهر بودند(همان: ۶۶۲/۹). او برای حمایت از نیروها، دستور داده بود که با قایق‌های جنگی، شبانه در رودخانه‌ها گشت‌زنی کنند(همان: ۵۸۶/۹).

قبل از درگیری با دشمن اغلب از ایمنی پشت جبهه‌ها مطمئن می‌شدند تا از هجوم غافلگیرانه‌ی دشمن در امان باشند. هنگامی که موفق خلیفه‌ی عباسی تصمیم گرفت رود ابی‌الخصیب، مرکز نیروهای زنگی، را تصرف کند، یکصد و پنجاه قایق جنگی در اطراف پادگان زنگیان و طرف دیگر قرار داد؛ قایق‌هایی که در نزدیکی ساحل رود لنگر انداخته بودند تا پشتیبان نیروهای خودی باشند(همان: ۶۴۷/۹). هنگام حمله، بین نیروهای خودی و دشمن بیش از یک فرسخ فاصله نمی‌انداختند؛ کاری که جعلان ترک، یکی از فرماندهان سپاه عباسی، در این جنگ انجام داد(همان: ۴۷۰/۸). البته در حمله به قلعه یا شهری فاصله‌ی نیروی خودی با محل استقرار دشمن تقریباً به دو کیلومتر کاهش می‌یافت. در حوادث سال ۲۶۷ق/۸۸۰م نیروهای موفق در فاصله‌ی دو کیلومتری از شهر سلیمان استقرار یافتند(همان: ۵۷۱/۹). شاید دلیل ایجاد این فاصله با نیروهای متخصص، دور ماندن این نیروها از آتش حریف بود. فرماندهان در درگیری سرنوشت‌ساز از موفق عباسی خواستند کشتی‌ها را از صحنه‌ی جنگ به عقب بکشاند تا سربازان در فکر عقب‌نشینی نباشند و به مقاومت در برابر دشمن مجبور شوند.

طبری گزارشی از زبان یکی از نزدیکان امین روایت می‌کند و در آن به نحوه‌ی درگیری با کشتی‌های مهاجم می‌پردازد: «زمانی یاران ظاهر عرصه را بر ما تنگ کردند

که عده‌ای با قایق‌ها و ناوچه‌ها اقدام به ایجاد مزاحمت و تیراندازی و سوراخ کردن کشتی‌ها و آتش انداختن در آن‌ها کردند.» (همان: ۴۸۴/۸). گاهی کشتی‌ها از جانب ساحل و خشکی نیز مورد تهاجم دشمن قرار می‌گرفت. در حوادث سال ۲۶۷ق/۸۸۰م به این موضوع اشاره شده است، زمانی که بین نیروهای عباسی و شورشیان زنگی، جنگ شدت گرفت. زنگیان بر روی خشکی بودند و نیروهای عباسی در رودخانه و در کشتی‌ها (همان: ۵۶۵/۹). جنگ‌ها در اوقات روز در می‌گرفت و بیشتر این جنگ‌ها در خشکی بود. بر حسب تعداد نیروهای درگیر و سرسختی طرفین، مدت زمان جنگ‌ها متغییر بود؛ گاهی جنگ‌ها از ابتدای صبح تا ظهر طول می‌کشید و سپس از بعد از ظهر دوباره شروع می‌شد و تا غروب آفتاب ادامه پیدا می‌کرد، به طوری که در هنگام غروب تشخیص دوست و دشمن دشوار می‌شد. سربازان قبل از اینکه آفتاب غروب کند، به مقرهای خود باز می‌گشتند (همان: ۶۳۲/۹). در این عقب‌نشینی کثرت سربازان طرفین هم دخیل بود؛ چرا که در این شرایط امکان نفوذ نیروهای دو طرف در سپاه دیگری به راحتی مهیا می‌شد؛ نیروهایی که شناسایی آنها دشوار بود به خصوص نیروهایی در گروه‌های کوچک.

الف. کاربست استراتژی‌های نظامی بازدارنده

یکی از استراتژی‌های نظامی در دوره‌های تاریخی استفاده از ابزارهای بازدارندگی در منازعات جنگی بوده است. سیستم‌های بازدارندگی - در زمره‌ی قدرت نرم - نسبت به استراتژی‌های تهاجمی از هزینه‌های مالی و تلفات انسانی می‌کاست و با موفقیت و پیروزی همراه می‌شد. عباسیان از این نوع استراتژی نظامی در مقابله با تهاجمات دشمنان بهره می‌گرفتند. این پژوهش به استراتژی‌های بازدارنده‌ی عباسیان در رودخانه‌های می‌پردازد:

۱. خدعه و نیرنگ

کاربرد خدعه و نیرنگ یا ابداع نقشه‌های نظامی، از استراتژی‌های نظامی رودخانه‌ای عباسیان برای رویارویی با دشمن بود. در حوادث جنگ خلافت بین امین و مأمون، نیروهای مأمون به فرماندهی طاهر بن‌الحسین، نیروهای امین را تعقیب کرد. در این تعقیب کشتی آتش‌انداز آنان در رودخانه دجله غرق شد، اما هرثمه تصور کرد که غرق

شدن کشتی حيله‌ای بیش نیست. بنابراین از رودخانه دجله گذشت و به منطقه صراه رسید(همان: ۴۸۲/۸).

نیروهای عباسی در جنگ با زنگیان از روش فریب برای تخریب دژهای زنگیان استفاده کردند؛ دژهایی که بر روی رودخانه‌ها برپا شده بود تا از پیشروی کشتی‌ها و نیروهای عباسی جلوگیری کند. موفق با تخریب دو پل متحرک زنگیان، توان دور زدن نیروهای عباسی را از نیروهای زنگی گرفت(همان: ۶۱۷/۹). البته این روش از نظر زنگیان پنهان نبود و در جنگ با نیروهای عباسی، آنان نیز از فریب به خصوص در زمان شدت گرفتن مراقبت نیروهای عباسی یا حضور کشتی‌های نظامی آنان در رودخانه‌ها استفاده می‌کردند تا از این طریق به مقاومت خود ادامه دهند و مواد غذایی نیروهای خودی را بدون نیاز به درگیری مستقیم و مسلحانه تأمین کنند. آنان گاه برای انجام مأموریت نظامی با پوشیدن لباس‌های خاص، خود را از دید نیروهای عباسی مخفی نگه می‌داشتند. در سال ۲۶۲ق/۸۷۵م سلیمان بن جامع، از فرماندهان شورشی زنگی، از جبایی، یکی دیگر از فرماندهان زنگی درخواست کمک کرد. او با استفاده از حيله و نیرنگ مواد غذایی و تجهیزات را با کشتی به نیروهای سلیمان بن جامع رساند(همان: ۵۲۴/۹). طبری از بهره‌گیری زنگیان از شیوه حيله و نیرنگ به هنگام شدت گرفتن محاصره نیروهای عباسی(۲۶۸ق/۸۸۱م) چنین روایت می‌کند: «زمانی که دریافت مواد غذایی از راه دریا و منطقه‌ی بطائح از زنگیان و یاران آنها قطع شد، از راه غیرمعارف و فریب، و از مسیر رودهای امیر و قندل مواد غذایی را به دست آوردند.»(همان: ۶۰۶-۶۰۸/۹). فرماندهی زنگی به نام بهبوذ بن عبدالوهاب از فریب و حيله برای به دام انداختن نیروهای عباسی استفاده می‌کرد و حملات سریع و برق‌آسایی بر مواضع آنان در رودخانه‌ها ترتیب می‌داد. یکی از این نیرنگ‌ها طبق روایت مسکویه چنین بود: «از کشتی‌هایی با پرچم‌های عباسیان و سربازانی که لباس نیروهای عباسیان به تن می‌کردند، استفاده می‌کرد.»(مسکویه، ۱۹۹۱: ۳۱۹/۳). این نیرنگ گاهی برای سپاهیان خلافت عباسی قابل پیش‌بینی و جلوگیری نبود. بهبوذ بن عبدالوهاب با قایق‌های جنگی و پرچم‌های هم‌شکل نیروهای عباسی از رود ابی‌الخصیب گذشت؛ نیروهایی که زبده و شجاع بودند. آنان غافلگیرانه به قایق‌ها و کشتی‌های جنگی نیروهای عباسی حمله کردند و عده‌ی زیادی را کشتند و برخی را اسیر کردند و شش کشتی جنگی به غنیمت بردند و سپس به رود آبله بازگشتند(طبری، همان: ۶۰۹/۹). برپایه آنچه گفته شد، روش

نیرنگ و حيله از شیوه‌های جنگ نرم بود که به صورت مداوم به کار بسته می‌شد؛ به ویژه زمانی که نیروها، توان مقابله مستقیم با سپاهیان دشمن را نداشتند و برای رسیدن به اهداف خود، خواهان کمترین تلفات و هزینه‌های مالی و انسانی بودند.

۲. استفاده از علائم و پرچم‌ها

علائم و پرچم‌ها در جنگ‌های رودخانه‌ای وسیله تمایز و شناخت نیروها از یکدیگر بود. پرچم نشان فرماندهی بود که بین دو نیروی عباسی و نیروی زنگی در میدان‌های جنگ به کار می‌رفت. در حوادث سال ۲۵۱ق/۸۶۵م بین اهالی بغداد، طرفدار نیروهای مستعین، و ترک‌ها، پیروان معتز با پرچم‌های قرمز، جنگی درگرفت و نیروها و طرفدار مستعین، ترک‌ها را شکست دادند، اما ظهور اشتباهی پرچم‌های قرمز در میدان جنگ، موازنه را برهم زد و نیروهای مستعین با دیدن این پرچم‌ها پشت سر خود پا به فرار گذاشتند و نیروهای ترک به مقرهای خود بازگشتند (همان: ۳۳۵/۶). تأثیر پرچم‌ها بر روحیه نیروها در جنگ با زنگیان در قسمت غربی رودخانه العباس به سال ۲۵۸ق/۸۷۱م هم مشاهده شد. با نمایان شدن پرچم‌های سرخ، نشانه‌ی سپاه عباسیان، زنگیان خود را به آب انداختند (همان: ۴۹۷/۸). مطابق گزارش طبری، رهبر زنگیان پرچم‌های مخصوص به خود داشت: رنگشان سفید بود و نام رهبر زنگی بر آن‌ها نوشته شده بود (همان: ۶۳۲/۹).

علائم و اشاره‌ها برای انتقال فرامین و انجام آنها از طرف نیروهای نظامی هم به کار برده می‌شد و هر علامتی، نشانه‌ی انجام کاری یا دسترسی به چیزی مشخص بود. حرکت دادن پرچم و صدای شیپور، فرمان شروع تهاجم و حرکت کشتی در رودخانه‌ها بود. موفق فرمان داد، پرچم‌ها به حرکت درآیند، با این علامت کشتی‌ها در رودخانه‌ها به راه افتادند (همان: ۶۵۶/۹). زنگیان نیز برای تجمع نیروهای خود شیپور می‌زدند (ابن اثیر، ۱۹۵۶: ۲۶۹/۶). نحوه‌ی دمیدن شیپور و معنای آن مشخص بود و همه‌ی نیروها از تعداد دمیدن و روش خاص آن، متوجه فرمان می‌شدند و اشتباهی هم صورت نمی‌گرفت. از دیگر نشانه‌ها، پایین آمدن نصفه پرچم کشتی‌ها بود به معنای تسلیم شدن نیروها (طبری، همان: ۵۸۳/۹). گاهی با صدای طبل به نیروها دستور حمله به دشمن می‌دادند. در ضمن علائمی در جنگ‌های رودخانه‌ای به کار می‌رفت که تحریک کننده سربازان بود و آنان این صداها را می‌شناختند؛ مانند تکرار واژه اسلحه (اسلحه، اسلحه، اسلحه) (ابن اثیر، همان: ۲۶۱/۶). که نیروها را برای جنگ به حالت آماده‌باش در می‌آورد

و یا عبارت (بلبل در قفس) که به معنی به دام افتادن دشمن در تله است (طبری، همان: ۳۵۱/۷). کلمه «کیلوا» به معنی صدور فرمان قتل کسی، در بین نیروهای زنگی به کار می‌رفت (همان: ۴۸۶/۸). لباس‌ها و پوشش‌های مخصوص سربازان هم علائمی برای تشخیص نیروهای خودی از نیروهای دشمن بود، کاری که موفق خلیفه‌ی عباسی مطابق روایت طبری برای تمیز نیروها به کار می‌برد (همان: ۵۶۷/۹). مسکویه نیز گزارش می‌دهد:

«نیروهای زنگی برای حرکت در رودخانه‌ها گاهی لباس نیروهای عباسی را به تن می‌کردند تا مورد بازجویی قرار نگیرند. آنان با کشتی‌های زیادی حرکت می‌کردند که پرچم نیروهای موفق را داشت و لباس سربازان عباسی را به تن نیروهای خود می‌کردند. این حیل‌های زنگیان بر نیروهای عباسی کارگر افتاد و توانستند به نیروهای حمله‌کننده، که مسئول کنترل امنیت رودخانه‌آبله بودند و نیروهای حاضر در کشتی‌ها را نیز به قتل رساندند.» (مسکویه، همان: ۳۱۹/۳).

علائم و اشارات رمزهایی هستند داری معانی و مفهوم که در میدان جنگ به نیروها در تصمیم‌گیریها و هماهنگی بین آنها کمک می‌کند. برای ارسال و دریافت درست پیام علائم، شناسایی آنها ضروری است تا خطایی به هنگام اجرای دستورها صورت نگیرد. این پیامها را از طریق بینایی و شنوایی دریافت می‌کنند. علائم دیداری باید به صورت واضح ارسال گردد و به اندازه و ارتفاع آنها توجه شود. در ارسال علائم شنیداری از طریق صدای شیپور، طبل و گفتار شدت صدا بستگی به فاصله نیروها از هم داشت. اشارات شنیداری برای مسافت دورتر و خارج از حوزه شنیداری نیروها کاربرد نداشت.

۳. جنگ روانی

جنگ روانی یکی از شیوه‌های ضربه زدن به روحیه دشمن و فلج کردن قدرت اوست. نیروهای عباسی در جنگ روانی روشهای متعددی داشتند. یکی از این روشها، نمایش قدرت نیروها از راه بسیج تعداد زیاد نیرو و تجهیزات فراوان نظامی بود. این کار در تخریب روحیه دشمنان بسیار مؤثر بود و به طور غیر قابل وصفی روحیه جنگی نیروهای خودی را افزایش می‌داد (الازدی، ۲۰۰۶: ۱۰۲/۲).

عباسیان در حمله به شهری که مرکز زنگیان بود (۲۶۹ق/۸۸۲م)، نیروهای و تجهیزات نظامی بی‌شماری تهیه دیدند. موفق عباسی در این جنگ کشتی‌هایی با ده هزار نیرو فرستاد (ابن اثیر، همان: ۴۱۳/۶). این نمایش قدرت از جانب زنگیان نیز به کار برده می‌شد. آنان با همه قوا و سرسختانه به نیروهای عباسیان حمله‌ور می‌شدند و با تمام قدرت می‌جنگیدند تا در دل نیروهای عباسی ترس و وحشت بیفتد (همان: ۵۶۱/۷). یکی دیگر از روش‌های جنگ روانی، که نیروهای عباسی آن را به کار می‌گرفتند، نمایش سر کشته‌شدگان دشمن در کشتی‌ها و به دار آویختن اسیران بود. آنان این کشتی‌ها را طوری حرکت می‌دادند که نیروهای دشمن کشته‌ها را ببینند. سپاهیان پس از پیروزی بر زنگیان چنین نمایشی به راه انداخت. او از وسط شهرها با سر کشته‌ها می‌گذشت تا هواخواهان زنگیان را به رعب اندازند. این کار اثر بسیار عمیقی در تضعیف روحیه دشمنان داشت (الازدی، همان: ۱۰۴/۲).

زنگیان نیز از جنگ روانی برای ایجاد ترس میان نیروهای عباسی و اجبار به مقاومت و جنگ میان نیروهای خودی استفاده می‌کردند. شورشیان زنگی نیز در ابتدا سرهای کشته‌های عباسی را با کشتی‌ها حمل می‌کردند و در معرض دید مردم و عباسیان قرار می‌دادند. این کار تأثیر زیادی در شکست و عقب‌نشینی نیروهای عباسی داشت. به طوری که بیشتر شهرها را بدون مقاومت تصرف کردند. به اثر عمیق این روش در تضعیف روحیه مردم و نیروهای بصره اشاره کرده‌اند، نیروهایی که برای جنگ با زنگیان آماده می‌شدند. استفاده زنگیان از این روش‌ها برای ترساندن مردم و نیروها در جنگ برای نمایش قدرت به دشمنان بود. آنان اجساد کشته‌ها را با قایق‌ها در گذرگاه‌های رودخانه‌ها به حرکت در می‌آوردند تا در دل نیروهای عباسی ترس بیفکند (طبری، همان: ۵۲۳/۹).

از دیگر روش‌های جنگ روانی عباسیان، نیمه پرافراشته کردن پرچم دشمنان در کشتی‌ها بود تا نیروهای دشمن روحیه خود را از دست بدهند (همان: ۶۳۲/۹). شایعه‌پراکنی و تبلیغات از روشهای بسیار خطرناک جنگ‌های روانی بود که اثر بسیار زیادی در تضعیف روحیه و اقدامات دشمن داشت. عباسیان با پخش شایعات و اخبار دروغ در میان زنگیان، به دنبال ایجاد ترس و رعب در دل آنان بودند. با کشته شدن، بهبود، از سرداران زنگی - که به دلیل حمله‌های سریع و ناگهانی‌اش بر عباسیان، ترس زیادی در دل آنان انداخته بود - موفق بسیار شادمان شد و جشنی برای تکریم سربازان

پیروزش برگزار کرد (ابن اثیر، همان: ۳۹۵/۶). البته در این عملیات عباسیان تلفات مالی و انسانی زیادی متحمل شدند (ابن طقطقی، ۱۹۹۷: ۲۵۱).

عباسیان با اشاعه‌ی خبر کشته‌شدن رهبر زنگیان می‌خواستند اسطوره‌ی شکست‌ناپذیری زنگیان را خرافی نشان دهند؛ اسطوره‌ای که در اذهان مردم نقش بسته بود، و قدرتمندی خلافت را به آنان بنمایاند (ابن اثیر، همان: ۴۲۳/۶). رهبر زنگیان نیز شایعه‌ی زخمی شدن موفق عباسی و از دست دادن قدرت و توانایی ادامه‌ی جنگ را در میان عباسیان پخش کرد (تنوخی، ۱۹۷۱: ۱۵۴/۱). یکی دیگر از روش‌ها برای ترغیب نیروها درگیر جنگ، ایجاد حماسه و انگیزه در روحیه‌ی نیروها بود که اثر بسیار زیادی در پیروزی، و شکست دشمن داشت. مثلاً درباره‌ی شجاعت موفق عباسی در جنگ با زنگیان سخن بسیار گفتند (طبری، همان: ۵۰۰/۹) که موجب تقویت روحیه‌ی نیروها و تغییر نتیجه‌ی جنگ به سود عباسیان شد.

عباسیان بر مجازات نیروهایی تأکید می‌کردند که در انجام مأموریت‌های نظامی سهل‌انگاری بسیار داشتند یا از فرمان‌ها سرپیچی می‌کردند. ابوالعباس دستور داد تا گردن سه نفر از ملوانان را بزنند، آنان در جنگ از وظایف خود سرپیچی کرده و به جمع‌آوری غنائم پرداخته بودند (همان: ۶۳۲/۹). تشویق همانند مجازات در جنگ‌های رودخانه‌ای نیز وسیله‌ای برای ترغیب روحی و روانی نیروها به کار می‌رفت. عباسیان به پرداخت پاداش، برای افزایش روحیه‌ی نیروها و برانگیختن وفاداری و اخلاص در انجام مأموریت‌های نظامی مبادرت می‌کردند. به‌ویژه عباسیان در برخی جنگ‌ها تمام غنائم را میان سربازان تقسیم می‌کردند. طبری در گزارشی آورده است:

موفق تمام غنیمت‌های به دست آمده از زنگیان: قایق‌ها و کشتی‌های دریایی بزرگ و کوچک و دیگر انواع قایق‌ها به همراه محموله‌های آنها را از رودخانه دجله خارج کرد و به غلامان و یاران خود بخشید (همان: ۶۴۱/۹).

همچنین او پس از پایان هر جنگ به سربازان خود بر حسب رتبه و میزان فرمانبرداری جوایزی اهدا می‌کرد تا تلاش بیشتری در جنگ داشته باشند (همان: ۶۳۰/۹). همچنین دستور داد تا به خانواده‌های سربازان کشته شده حقوق بازنشستگی به اندازه‌ی حقوق دریافتی‌شان پرداخت شود. این کار اثر بسیار زیادی در روحیه‌ی نیروهای دیگر داشت (همان: ۵۸۲/۹). در امان‌نامه‌هایی که به دستور او با تیرها به سوی سپاه دشمن پرتاب می‌کردند یا شفاهی به گوششان می‌رساندند، وعده‌ی بخشش و

تکریم برای شورشیان - از هر رنگ و نژادی؛ چه سیاه و سفید- داده می‌شد (الازدی، همان: ۱۰۳/۲). در واقع این امان‌نامه‌ها در سپاه زنگیان، ترس و همچنین امیدواری ایجاد کرد. سپس گروهی از آنان با قایق و کشتی‌های خود به سپاه عباسی پناهنده شدند و مورد عفو و تکریم قرار گرفتند (طبری، همان: ۵۸۴/۹-۵۸۳).

عباسیان برای فشار آوردن بر نیروهای زنگی از نیروهای پناهنده و تجربیاتشان در جنگ‌های رودخانه‌ای استفاده می‌کردند (همان: ۶۱۶/۹). شاید شرکت آنان در جنگ علیه زنگیان برای کسب اطمینان نیروهای عباسی بود تا نشان دهند که به آنچه می‌گویند عمل هم می‌کنند. به همین دلیل برخی از مأموریت‌های نظامی به آنان محول می‌شد و از طرف دیگر حضورشان ضربه‌ی روانی و نظامی بر زنگیان وارد می‌کرد. از لحاظ جنگ روانی استفاده از پناهندگان در جنگ‌های رودخانه‌ای تأثیر بسزایی داشت؛ چرا که آنان علاوه بر شناخت نقشه‌ها و اسرار زنگیان، تجارب زیادی هم داشتند. به طوری که تعداد زیادی از زنگیان به دست همین پناهندگان کشته شدند و ترس و رعب زیادی بر دل نیروهای زنگی به جا گذاشتند.

ب. کاربست استراتژی‌های تهاجمی

معمول‌ترین شیوه‌ی نظامی، استراتژی (راهبرد) تهاجمی است که برای مقابله با نیروهای مهاجم، مهم‌ترین راهبرد نظامی است. استراتژی‌های تهاجمی در زمره‌ی جنگ سخت به شمار می‌آید که در آن از ابزارها و ادوات نظامی برای دفع حمله‌ی مهاجم بهره می‌برند. عباسیان نیز از این روش‌های جنگ سخت در مقابله با نیروهای مهاجم استفاده می‌کردند که از میان آن روش‌ها می‌توان به این استراتژی‌های تهاجمی اشاره کرد:

۱. به کار بردن تدابیر اطلاعاتی و جاسوسی

فرماندهان در جنگ‌های رودخانه‌ای به جمع‌آوری اطلاعات اهمیت زیادی می‌دادند تا با استفاده از آنها برای حمله، نقشه‌هایی را طراحی و یا از هجوم پیش‌بینی شده‌ی دشمن جلوگیری کنند. در منطقه‌ی جغرافیایی عراق با رودخانه‌های فراوان، کسب معلومات و اطلاعات کافی قبل از آغاز هر جنگی ضروری بود. فرماندهان در این منطقه، بر اساس این اطلاعات نقشه‌های جنگی را طراحی می‌کردند و نیروها نیز به دقت از آن تبعیت و اجرا می‌کردند. گردآوری اطلاعات درباره‌ی توان نیروهای متخاصم در دریا، رودخانه‌ها و خشکی در تمام جنگ‌های منطقه‌ی عراق امری رایج بود. خالد بن ولید برای

گردآوری اطلاعات از ساکنان محله‌های نزدیک به منطقه‌ی عملیاتی و تجربه‌های آنان بسیار استفاده می‌کرد تا از وضعیت پدیده‌های طبیعی مسیر حرکت نیروهای خودی مطلع شود (بلاذری، ۱۹۸۸: ۲۴۰). سعد بن ابی‌وقاص نیز از تجربه‌ی ساکنان منطقه‌ی مدائن درباره وضعیت جغرافیایی آنجا استفاده کرد. او با آگاهی از عمق رودخانه‌ی دجله، نقطه‌ی عبور نیروهایش را از آن تعیین کرد، زمانی که نیروهای ساسانی از عبور نیروهایش ممانعت کردند (طبری، همان: ۱۵۶/۴). عبور نیروهای سعد بن ابی‌وقاص از محل کم عمق رودخانه‌ی دجله با راهنمایی یکی از اهالی مدائن انجام گرفت (ابن اثیر، همان: ۵۱۲/۹). گردآوری اطلاعات درباره‌ی اطراف رودخانه در جنگ‌های رودخانه‌ای امکان عبور بخش یا تمام نیروهای نظامی را در زمان کمبود کشتی‌های فراهم می‌کرد. نیروهای عباسی به فرماندهی قحطبه بن شیب‌الطائی در جنگ با نیروهای اموی به فرماندهی ابن‌هبیره (۱۳۲ق/ ۹۴۵م) برای عبور از رود فرات از اطلاعات جمع‌آوری شده استفاده کردند. در این نبرد نیروهای عباسی با استفاده از اطلاعات یکی از اهالی به نام سندی بن عاصم از جاهای کم عمق رود فرات عبور کردند و پیروز شدند (ابن‌خلدون، ۱۹۶۶: ۲۲۱/۳).

افراد مورد اعتماد مسئول گردآوری اطلاعات می‌شدند تا درباره دشمن و تحرکات آنان، فرماندهان را مطلع کنند. به مجموعه‌ی این افراد الطالیع؛ یعنی دارندگان اخبار دشمن اطلاق می‌شد (ابن‌منظور، ۱۹۸۴: ۲۳۷/۸-۲۳۶). در جنگ‌های عباسیان در برابر نیروهای شورش‌زنگیان و جنگ‌های رودخانه‌ای از این گروه برای جمع‌آوری اطلاعات، کشف موقعیت‌های دشمن، ردیابی و تخمین تعداد نیروهای دشمن بسیار استفاده کردند. موفق خلیفه‌ی عباسی بر اطلاعات این گروه تأکید زیادی می‌کرد و از آنان کمک می‌گرفت؛ چراکه آنان او را از تحرکات زنگیان و راه‌های رودخانه‌ای و موقعیت نیروهای دشمن آگاه می‌کردند. رهبر زنگیان نیز مجموعه‌هایی از طالیع برای گردآوری اطلاعات داشت. زمانی که متوجه شد نیروهای عباسی در کنار رود معقل مستقر شدند، مخبرین یا طالیع خود را به آنجا گسیل داشت تا درباره‌ی تعداد نیروها و قدرتشان اطلاعات جمع کنند (طبری، همان: ۴۹۳/۹). گروه‌های تجسس در جنگ‌های رودخانه‌ای علاوه بر جمع‌آوری اطلاعات و کشف اسرار دشمن و زیرنظر گرفتن تحرکات او، گاهی به نیروهای دشمن شبیخون هم می‌زدند. موفق فرزندش، ابوالعباس، را با گروهی از جاسوسان نیروهای رودخانه‌ای فرستاد تا تحرکات دشمن زنگی را زیر

نظر بگیرند و به او امر کرد با قایق‌ها و ناوچه‌ها پنهانی، به اطراف محل‌های نیروهای دشمن برود تا راهی برای فریب سلیمان ابن‌جامع بیابد (همان: ۵۹۳/۹). عباسیان منهیانی داشتند که آنان را به همه جا می‌فرستادند تا اخبار شورشیان زنگی را جمع‌آوری کنند. موفق از طریق جاسوسان خود از قصد حمله‌ی شورشیان زنگی و حرکت به دروازه‌های تجاری شهر الموفقیه (بین بغداد و واسط) مطلع شد (همانجا). شورشیان زنگی نیز از جاسوسان برای خبرگیری از نیروهای عباسی بهره می‌بردند (همان: ۴۲۱/۸). آنان افرادی را برای جاسوسی انتخاب می‌کردند که مسن باشند تا کسی به آن‌ها شک نکند و دستگیر نشوند (همان: ۳۲۶/۷).

بنابراین اهمیت جمع‌آوری اطلاعات در جنگ‌های رودخانه‌ای برای انجام بهتر مأموریت‌ها بود. این اطلاعات برای یک فرماندهی نظامی کاربردهای مختلف و مفیدی داشت: ۱. ارتباط با نیروهای خودی و زیرنظر گرفتن آنها؛ ۲. انجام مأموریت‌های نظامی موفق؛ ۳. بیان هشدارهای لازم قبل از وقوع هر اتفاقی به نیروهای خودی؛ ۴. رفع موانع پیش‌رو در جنگ‌های رودخانه‌ای و آگاهی از تحرکات دشمن.

۲. تدابیر جایگزینی نیروهای نظامی

یکی از روش‌ها در جنگ‌های رودخانه‌ای جانشینی نیروهاست، زمانی که نیروهای درگیر در جنگ با مشکل مواجه می‌شوند. به‌ویژه در عرصه‌های جنگ رودخانه‌ای که مسیرهایی پر خطر با باتلاق‌ها، علفزارها و گیاهان زیاد دارد. از روش جانشین کردن نیروها برای استتار سربازان و مقابله با تهاجمات ناگهانی دشمن استفاده می‌کردند، مخصوصاً زمانی که نیروها در معرض آسیب‌های زیادی قرار داشتند. با استفاده از این شیوه در جنگ‌ها، نیروهای دشمن را تحت فشار قرار می‌دادند و نیروهای تازه نفس را با نیروهای خودی خسته تعویض می‌کردند. سپاهیان عباسی از همین روش در حملات خود علیه شورشیان زنگ استفاده می‌کردند. عبدالرحمن بن مفلح و ابراهیم بن سیمما از فرماندهان عباسی به صورت متناوب به سمت پادگان زنگیان در رودخانه‌ی بیان حرکت کردند و به آنجا یورش بردند (همان: ۵۰۶/۹). عباسیان در درگیری‌های خود با شورشیان زنگی، برای اجرای مأموریت‌های نظامی، نیروهای خود را به دسته‌هایی تقسیم می‌کردند که پشت سرهم هر دسته از نیروها کار دسته‌ی قبلی را به اتمام می‌رساند تا به هدف نهایی خود برسند. موفق عباسی در زمان حمله به شهرهای زنگیان (۲۶۹ق/۱۸۲م) نیروها را گروه گروه به جنگ فرستاد تا راه‌ها و مسیرهای شهر را در اختیار بگیرند و

هم تمرینی برای نیروها باشد (ابن اثیر، همان: ۴۲۰/۶). روش متناوب یا جانشینی را نیروهای عباسی فقط برای جنگ به کار نمی گرفتند بلکه در برپایی مقرها در رودخانه‌ها یا حفر آبراهه‌ها نیز به کار می بردند؛ زیرا ورود همزمان نیروهای زیاد با ادوات لازم عملیات‌ها در مسیرهای آبی رودخانه‌ها بسیار دشوار بود. آنان برای فائق آمدن بر این مشکل به تقسیم کار بین سربازان به صورت نوبتی اقدام می کردند (همان: ۴۰۱/۶). تقسیم کار و تعویض نیروها نیز از طرف نیروهای زنگی به کار گرفته شد. رهبر شورشیان زنگی در سال ۲۶۹ق/۸۸۲م مأموریت حمله به نیروهای عباسی را به عهده سه تن از فرماندهان خود قرار داد. آنان بدون این که در نزدیکی نیروهای عباسی پادگانی ایجاد کنند به صورت نوبتی عملیات‌ها را انجام می دادند (همان: ۶۱۵/۷). با این روش، ممکن بود یک جنگ چند روز به صورت پیاپی ادامه پیدا کند تا نیروهای دشمن در مقابله با این تهاجمات مکرر از پا بیفتند و توان ایستادگی و مقاومت را از دست بدهند. در مقابل نیروهای مهاجم با استفاده از روش جانشینی و تقسیم حملات از توان بالاتری برخوردار بودند. گروه تازه نفس جانشین گروه درگیر خسته می شد. فرماندهان با استفاده از این روش می توانستند نیروهای بیشتری را وارد میدان جنگ می کردند، به طوری که با ظرفیت میدان جنگ متناسب باشد. آنان نمی توانستند در آن واحد همه‌ی نیروها را در میدان جنگ به کار بگیرند، مخصوصاً در رودخانه‌ها و آبراهه‌ها که گنجایش آن همه نیرو را نداشت.

۳. کمین‌ها و تهاجمات ناگهانی

در شیوه‌ی کمین تعدادی از نیروهای خودی در مسیر نیروهای دشمن پنهان می شدند تا در موقع لزوم به آنان حمله ور شوند و راه پیشروی آنان را سد کنند و تا حد امکان خسارت و آسیب وارد کنند یا آنان را از هدف خود منحرف سازند (جنابی، ۱۹۸۹: ۱۹۹). کمین‌ها و تهاجمات ناگهانی در جنگ‌های رودخانه‌ای از شیوه‌های به سرانجام رساندن جنگ و یکی از عوامل مهم پیروزی به حساب می آمد.

کمین و تهاجم ناگهانی از انواع نیرنگ‌هاست که هدف آن‌ها مخفی نگه داشتن قصد، زمان و نیروی به کار گرفته شده برای وارد کردن ضربات و درهم کوبیدن روحیه‌ی دشمن است. طبری در حوادث سال ۱۹۸ق/۸۱۳م ذکر کرده است که نیروهای مأمون به فرماندهی طاهر بن‌الحسین کمین‌هایی را برای حمله به نیروهای امین تدارک

دیده بودند. زمانی که امین می‌خواست خود را به نیروهای هَرمه تسلیم کند، نیروهای طاهر برای او کمین کرده بودند (طبری، همان: ۴۸۲/۸).

در جنگ عباسیان با زنگیان، نیروهای عباسی برای نیروهای زنگی کمین‌گاه‌هایی ساختند تا آن‌ها را به دام بیندازند. زهاء فرمانده نیروهای عباسی در سال ۲۵۵ق/۸۶۸م به همراه هزار نفر از سربازان برای به دام انداختن علی بن ابان و یحیی بن محمد از فرماندهان زنگی، در رود شریکان از رودهای بصره کمین کرد (همان: ۴۲۷/۸). نیروهای موفق عباسی در سال ۲۵۸ق/۸۷۱م با نیروهای زیادی از زنگیان مواجه شدند و ناچار به عقب‌نشینی شدند. تعدادی از نیروهای عباسی به غلفزارها و باریکه‌های رود پناه بردند، اما نیروهای زنگی، که برای آن‌ها کمین کرده بودند، همه را کشتند (همان: ۵۰۰/۸). از انواع کمین‌هایی که در جنگ‌های رودخانه‌ای برای به دام انداختن دشمن به کار برده می‌شد این بود تقسیم نیروها در ورودی‌های رودخانه‌ای بود که نیروهای دشمن از آنجا عبور می‌کردند. موفق در ضمن توصیه‌اش به فرزندش، ابوالعباس، برای اجرای کمین به او دستور داد تا نیروهای خود را بر مناطق وسیعی از رودخانه‌ها تقسیم کند تا بتوانند کشتی‌های زنگیان را به هنگام ورود به آن مناطق به دام اندازند. او به قایق‌های جنگی خود دستور داد همزمان با درگیری سربازان پسرش، آنان نیز به دشمن یورش ببرند (همان: ۵۹۲/۹).

محیط رودخانه‌ها برای کمین به دلیل داشتن غلفزارها و نیزارها محیط مناسبی بوده است؛ زیرا موقعیت مناسبی برای اختفاء از دید دشمن داشت و به دام انداختن دشمن را ساده‌تر می‌کرد. به همین دلیل نیروهای زنگی برای نیروهای عباسی در غلفزارها و نیزارها کمین می‌کردند. زنگیان تا حد امکان از دید نیروهای عباسی، در مناطق اطراف رودخانه مخفی می‌شدند و به انتظار می‌نشستند تا زمانی که کشتی‌های عباسی وارد رودخانه‌ها شوند و تا شنیدن صدای طبل نیروهای عباسی، زنگیان از کمین‌گاه خارج نمی‌شدند (همان: ۵۲۵-۵۲۴/۹).

کمین‌ها به طور معمول در جنگ‌های رودخانه‌ای کاربرد زیادی داشت. شبیخون زدن و حمله به پشت جبهه‌ی دشمن به منظور برهم زدن روحیه‌ی نیروها و شکست آنان در جنگ‌ها تأثیر بسزایی داشت. برای دستیابی به چنین هدفی، نیروهای دشمن را با نقشه‌ی از پیش طراحی شده مورد محاصره قرار می‌دادند و به اصطلاح امروزه با حمله‌ی گازانبری عمل می‌کردند و بدین صورت نیروهای اصلی دشمن را با یک عملیات

تهاجمی مشغول می‌ساختند و در همان زمان نیروهای دیگر پشت جبهه‌ی دشمن را مورد حمله قرار می‌دادند و در صفوف نیروهای دشمن، سردرگمی و دستپاچگی رخ می‌داد.

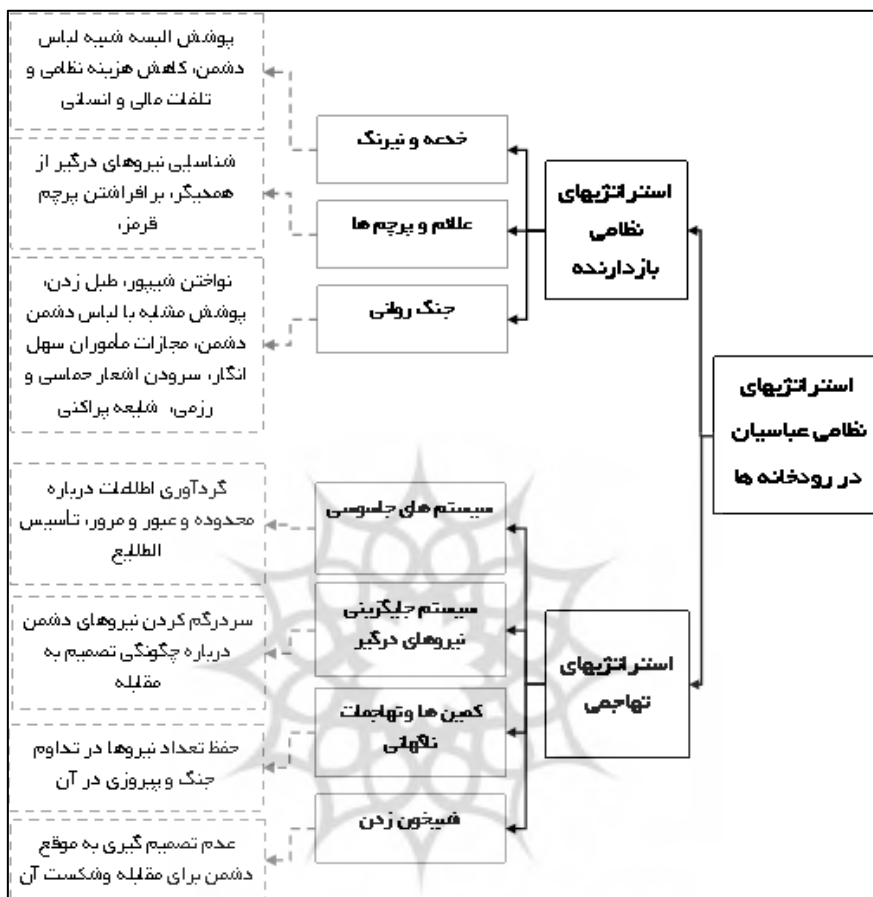
نصیر، فرمانده‌ی نیروهای دریایی عباسیان، در رویارویی رودخانه‌ی ابی‌الخصیب با نیروهای زنگی به فرماندهی سلیمان بن‌جامع (۲۶۹ق / ۸۸۲م) درگیر جنگ بودند که گروهی از غلامان سودانی‌الاصل موفق عباسی از کمین‌گاه خود خارج شدند و به نیروهای زنگی یورش بردند و آنان را شکست دادند (همان: ۶۲۷/۹). در بعضی مواقع کمین‌ها در جنگ‌های رودخانه‌ای برای کشاندن نیروهای دشمن به هدف و مکان مشخص به کار گرفته می‌شد و در آن از نقشه‌ی بسیار زیرکانه استفاده می‌شد. گاهی نیروهای متخاصم تعداد کمی از کشتی‌های خود را راهی رودخانه‌ها می‌کردند تا دشمن را با ضعیف نمودن خود به طمع اندازند تا آنان خواهان تسلط بر دشمن شوند؛ در حالی که این خدعه‌ای است برای خروج دشمن از مخفی‌گاه‌ها و یورش بر آن‌ها. نیروهای عباسی از این روش برای به دام انداختن نیروهای زنگی نیز استفاده می‌کردند (همان: ۵۶۱/۹). این حوادث نشان می‌دهد که نیروهای متخاصم به روش‌های فریب و خدعه‌ی همدیگر آشنا بودند و سعی می‌کردند تا نیروها به صورت انفرادی وارد جنگ با دشمن نشوند. آنان با تمام قوا و از همه‌ی جهات به دشمن حمله می‌کردند تا ضربات تمام‌کننده را به دشمن وارد و شکست او را ساده‌تر کنند. طبری در گزارشی آورده است: «نیروهای عباسی از این قاعده استفاده می‌کردند و به انتظار فریب دشمن می‌نشستند و دستور می‌دادند یکی از کشتی‌ها را در راه زنگیان قرار دهند و بقیه را پنهان کنند و سپس آن‌ها برای گرفتن آن کشتی به طمع افتاده به دنبال آن به راه می‌افتادند تا آن را بگیرند. کسانی که در کشتی بودند به دستور ابوالعباس به آرامی حرکت می‌کردند تا زنگیان به آن‌ها برسند و ملوانان نیروهای زنگی را به سمت کمین ابوالعباس بکشاند که بقیه‌ی نیروها در آن‌جا کمین کرده بودند.» (همان: ۵۶۶/۹). در این جنگ نیروهای ابوالعباس بر نیروهای زنگی حمله کردند و شش کشتی آن‌ها را به غنیمت گرفتند و بقیه‌ی نیروهای زنگی فرار کردند (ابن اثیر، همان: ۳۷۶/۶).

۴. شبیخون زدن

اصطلاح شبیخون به این معنا است که نیروهای متخاصم در شب منتظر فرصت مانده تا به هنگام تاریکی و غفلت دشمن به آنها حمله کنند. شبیخون در واقع شبانه به سمت

دشمن رفتن و ناگهانی و بی‌خبر به آنان حمله‌ور شدن است (ابن‌منظور، همان: ۱۶/۱). قحطبه بن‌شیب‌الطائی، فرماندهی نیروهای عباسی، در جنگ‌های رودخانه‌ای سال ۱۳۲ق/۷۴۹م از شیبخون بر ضد نیروهای اموی به فرماندهی ابن‌هبیره استفاده کرد. آنان بعد از انتظار زیاد و به دست آوردن فرصت، در شب تاریک با گروهی از سربازان از رودخانه فرات عبور کردند و به نیروهای اموی شیبخون زدند و آنان را شکست دادند، اما قحطبه در آن شب ناپدید گشت؛ بعدها مشخص شد که او در رودخانه فرات غرق شده است (یعقوبی، همان: ۳۴۴/۲). موفق عباسی در نبردهای عباسیان با شورشیان زنگی، نیرویی از پناهجویان به فرماندهی شبل بن‌سالم، از فرماندهان زنگی پناهنده، تشکیل داد و به او دستور داد به نیروهای زنگی شیبخون بزنند. شبل که با راه‌های مواصلاتی نیروهای زنگی آشنا بود، در محلی که به آنجا آشنایی کامل داشت، کمین کرد و در هنگام سحر به آنها حمله کرد و عده‌ی زیادی از آنان را به قتل رساند (طبری، همان: ۶۴۳-۶۴۴/۹). شیبخون در اساس بر عنصر ناگهانی و غیر قابل پیش‌بینی تأکید می‌کند که سبب سردرگمی نیروها و به سرانجام رسیدن عملیات‌ها می‌شد. زمان اجرای آن نیمه‌های شب یا در هنگام سحر بود. یک شیبخون موفق در کنار عنصر غافل‌گیری، به نیروهای شجاع و قوی برای انجام عملیات هجومی بستگی دارد.

علی بن‌ابان، فرماندهی نیروهای زنگی، در حوادث سال ۲۵۹ق/۸۷۲م مکلف شد تا به نیروهای عباسی به فرماندهی عبدالرحمن بن‌مفلح شیبخون بزند (همان: ۵۰۵/۹). طبری در حوادث سال ۲۶۷ق/۸۸۰م گزارش می‌دهد که رهبر زنگیان از نیروهای خودی و فرماندهانشان خواست که شجاع‌ترین و مقاوم‌ترین نیروها را انتخاب کنند و به یکی از فرماندهان خود دستور داد تا به سمت نیروهای موفق عباسی برای شیبخون حرکت کنند (همان: ۵۸۹/۹). نیروهای عباسی رنج‌های زیادی از شیبخون‌های زنگیان دیدند، به طوری که موفق مجبور شد تا با احتیاط بیشتری حرکت کند. به طوری که در سال ۲۶۹ق/۸۸۲م دستور قطع درختان خرما و اصلاح کانال‌ها را داد و دژها را مستحکم‌تر کرد تا از شیبخون زنگیان و کشتار آنها در امان باشد (همان: ۶۱۵/۹).



نمودار (۱). ترسیم استراتژی‌های نظامی بازدارنده و تهاجمی خلافت عباسیان در رودخانه‌های عراق عرب

نتیجه

بر پایه آنچه بیان شد رودخانه‌ها از اهمیت نظامی فراوانی برای عباسیان برخوردار بود و از آنها بهره‌های گوناگون می‌بردند: ۱. برای مقابله با دشمنان؛ ۲. برای تأمین امنیت اطراف شهرها به دلیل سختی عبور از آن‌ها؛ ۳. دادن فرصت به نیروهای مدافع جهت اتخاذ تدابیر دفاعی؛ ۴. به تأخیر انداختن پیشروی نیروهای مهاجم؛ ۵. سد کردن راه مهاجمان. بنابر فواید رودخانه‌ها برای عباسیان به چند دلیل تسلط بر تجارت دریایی و فواید نظامی ارزشمند بود. خلفای عباسی خواستار تمرکز خلافت در عراق بودند و رودخانه‌های عراق برای تمرکز قدرت مناسب بود. بنابراین پادگان‌هایی را برای نیروهای خود

در رودخانه‌ها تأسیس کردند. نیروهای نظامی در جنگ‌های رودخانه‌ای به تأمین مواد غذایی و ادوات جنگی برای انجام عملیات نظامی نیاز داشتند و خلفای عباسی که به این نیازها توجه خاصی داشتند، رزمایش‌هایی برای جنگ‌های رودخانه‌ای انجام می‌دادند. آنان در رژه‌ی نیروها و تجهیزات جنگی آمادگی خود را به نمایش می‌گذاشتند که در جنگ نتیجه‌ی مطلوب از آن حاصل می‌شد. عباسیان در تمام جنگ‌های منطقه‌ی عراق به گردآوری اطلاعات درباره‌ی توان نیروهای دشمن در دریا و خشکی و رودخانه‌ها می‌پرداختند و در این جنگ‌ها روش نیرنگ و حيله را به صورت مداوم به کار می‌بردند. به ویژه زمانی که توان مقابله با نیروهای دشمن را نداشتند، برای رسیدن به اهداف خود با کمترین تلفات از این روش استفاده می‌کردند. از دیگر راهبردها و شیوه‌های نظامی عباسیان در جنگ‌های رودخانه‌ای، شبیخون زدن به نیروهای دشمن بود. شبیخون بر عنصر ناگهانی و غفلت تأکید می‌کرد تا سبب سردرگمی نیروهای دشمن و پیروزی عملیات شود. به کار بردن علائم و اشارات در جنگ‌های رودخانه‌ای در واقع رمزهایی بودند که ارزش آن‌ها بر مفاهیمی بود که سربازان بدان واقف بودند و پیام مورد نظر را دریافت می‌کردند. آن‌ها به تصمیم‌گیری نیروها و هماهنگی‌شان در میدان جنگ کمک می‌کرد. از دیگر راهبردهای نظامی عباسیان در رودخانه‌های عراق عرب، جنگ روانی بود که برای درهم کوبیدن روحیه‌ی دشمن و فلج کردن قدرتش کاربرد داشت. عباسیان از شیوه‌ی جنگ روانی در مقابله با دشمنان استفاده می‌کردند. آنان با این روش دشمنان خود را از نظر قوای روحی متزلزل می‌کردند. یکی از این روش‌های جنگ روانی، نمایش قدرت نیروها و تجهیزات نظامی از راه بسیج تعداد زیادی از آنها بود. این کار اثر بسیار زیادی در تخریب و تضعیف روحیه‌ی دشمنان داشت.

فهرست منابع و مأخذ

- ازدی، یزید بن محمد (۲۰۰۶). تاریخ موصل، تحقیق احمد عبدالله محمود، ۲ جلد، بیروت: دارالکتب العلمیه منشورات محمدعلی بیضون.
- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن شیبانی (۱۹۵۶). الکامل فی التاریخ، تحقیق ابی الفداء عبدالله قاضی، ۱۳ جلد، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۹۶۶). العبر و دیوان المبتداء والخبر، تصحیح خلیل شحاده، ۶ جلد، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- ابن خلکان، احمد بن محمد (۱۹۷۳). *وفیات الاعیان و انباء الزمان*، تحقیق احسان عباس، ۸ جلد، بیروت: دار الفکر.
- ابن طقطقی، محمد بن علی (۱۹۹۷). *الفخری*، تحقیق عبدالقادر محمد مایو، حلب: دارالقلم العربی.
- ابن کنیر، اسماعیل بن عمر (۱۹۸۸). *البدایه و النهایه*، تحقیق علی شیری، ۷ جلد، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۹۸۴). *لسان العرب*، تحقیق علی شیری، ۱۸ جلد، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۸۸). *فتوح البلدان*، تصحیح رضوان محمد رضوان، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- تنوخی، ابوعلی محسن بن علی (۱۹۷۱). *نشوار المحاضره و اخبار المذاکره*، تحقیق عبود شالجبی، ۸ جلد، بیروت: بی نا.
- جنابی، خالد جاسم (۱۹۸۹). *تنظیمات الجیش فی العصر العباسی الثانی ۲۱۸-۳۳۴هـ*، بغداد: دارالشؤون الثقافیه العامه.
- جهشیاری، محمد بن عبدوس (۱۹۸۸). *الوزراء و الكتاب*، مقدمه حسن زین، بیروت: دارالفکر الحدیث.
- خلیفه بن خیاط، ابی عمرو (۱۹۶۷). *تاریخ خلیفه بن خیاط*، تحقیق نجیب فواز، بیروت: دارالکتب العلمیه منشورات محمدعلی بیضون.
- صولی، ابوبکر محمد بن یحیی (۱۹۳۵). *اخبار الراضی بالله و المتقی بالله*، تحقیق ج هیورث دن، قاهره: مطبعه الصاوی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۹۶۷). *تاریخ الرسل و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ۱۱ جلد، بیروت: روائع التراث العربی.
- غالب، عبدالرحیم (۱۹۸۸). *موسوعه العماره الاسلامیه*، بیروت: جروس برس.
- فوزی، فاروق عمر (۱۹۸۸). *تاریخ العراق فی عصور الخلافه العربیه الاسلامیه*، بغداد: مکتبه النهضه العربیه.
- قائدان، اصغر (۱۳۸۰). «تحول و تطور در نیروی دریایی مسلمانان (تا پایان خلافت عباسی)»، فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم، سال دوم، شماره دوم، صص ۱۱۹-۱۴۲.
- قلقشندی، احمد بن علی (۱۹۸۵). *مآثر الأنافه فی معالم الخلافه*، تحقیق عبدالستار احمد فراج، بیروت: عالم الکتب.

- محفوظ، محمد جلال‌الدین (۱۹۷۶). المدخل الى العقیده و الإستراتيجیه العسكريه الاسلاميه، قاهره: الهيئته المصريه العامه للكتاب.
- مسعودي، ابوالحسن علي بن الحسين (۱۹۶۶). مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقيق عبدالامير مهنا، ۴ جلد، بيروت: مؤسسه الاعلمي للمطبوعات.
- مسكويه، احمد بن محمد (۱۹۹۱). تجارب الأمم و تعاقب الهمم. تحقيق سيد كسروي حسن، ۳ جلد، قاهره: دارالكتاب الاسلاميه.
- همداني، محمد بن عبدالملك (۱۹۶۱). تكملة التاريخ الطبري، تحقيق ألبرت يوسف كنعان، بيروت: مطبعه الكاثوليكيه.
- ياقوت حموي، شهاب‌الدين ابو عبدالله (۱۹۹۵). معجم البلدان، ۷ جلد، بيروت: دار صادر.
- يعقوبي، احمد بن اسحاق (۲۰۰۲). البلدان، تحقيق محمد امين ضناوي، بيروت: دارالكتب العلميه منشورات محمد علي بيضون.



Iraq's Rivers and Abbasids' Military Strategies (132- 334 AH)¹

*Nematollah Zakipour; * Majid Shamousi Motlagh ***

Abstract

For centuries, the Abbasid caliphs turned the centers of their caliphate into secure business areas through controlling and securing Iraq and its surrounding territories. Several factors contributed to such flourishing economic condition which consisted of staying away from the opposition and their bases, proximity to their governments' supporters, and the political geography of Baghdad in terms of being close to the Tigris and Euphrates. These rivers and their numerous waterways had two important commercial and military functions for the Abbasids. The most important function of rivers for the Abbasids, however, was military and strategic helping them to suppress domestic and foreign rebels. The present study that takes a historical-descriptive-analytical approach seeks to answer the following questions, relying on the method of collecting information from historical sources: What was the military importance of the Arab Iraq's rivers for the Abbasids' caliphate? And what strategies and methods of warfare did they employ in the Iraq's rivers? The findings show that the Iraqi rivers, including the Tigris and Euphrates, were important to the Abbasids for several reasons such as providing dominance of commercial and communicative routes, and distancing from government opposition centers. They used a variety of offensive and deterrent methods to defeat insurgents, including spying, information and intelligence systems, sudden attacks, deceit, deploying signs and flags, and psychological warfare.

Keywords: Abbasids, Iraq's rivers, military strategies, domestic and foreign.

¹. The notes used in this paper were extracted from Arabic versions of historical sources from the Basrah History School Library and the History Library of Najaf University in Iraq.

* Corresponding author: Assistant Professor, Department of History, University of Yasouj; Email: nematzakipoor@yahoo.com

** MA in Islamic History, University of Yasouj; Email: majid.sh4676@gmail.com

| Received: June 2, 2019; Accepted: February3, 2020|



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی